

وضعیت جاری از ما چه مطلبی؟

ما در جاده های گلپوش تاریخ ایستاده نیستیم تا ذوقزده به تماشا خوشبختی ها کف بزنم. در یک نگاه می بینیم که از مشروطه اول از ملا سرور به ملا عمر یک سقوط یک قرنه و در عصر پسامدرن، بسوی امارت اسلامی شتاب پرتعجیل داریم. همه میدانیم که نه از یک بل از شش جهت بر سر مردم، تیغ و خنجر میبارد. فصل تباهی با تمام قساوت ادامه دارد و همه را در تالاب سرگیچی و اندوه فرو برده است. جُغد فاجعه، بر گلوی هر فرد، مرثیه یأس را چکانده و انرژی های مؤلد را در او زایل می سازد. کشور بی صاحب، در زیر چکمه ها و توطئه های رنگارنگ، پامال گشته است.

ما هنوز در انحای منکسر پاشانی و بحران آویزان مانده ایم، هنوز که هنوز است در زمانه پرسش های نفسگیر، نفس میکشیم؛ پاسخ این پرسش را که چرا؟ با تمام ایثارگری ها نتوانسته ایم یک جریان مستحکم، آگاه، دگرگون کننده و سعادت آفرین را ایجاد کنیم؛ نیافته ایم. یا اگر یافته ایم شفاف و صادقانه با دیگران شریک ساخته ایم.

وضع مفلوک، روشنفکر را مفلوج کرده و همه را بطور مشترک به لشکر مایوسین و افسردگان حاشیه نشین تبدیل نموده است. همیشه و نمی توانیم، مانند بم های ساعتی در دست های هر یک ما پیچ خورده است. فاجعه را می بینیم و با کشیدن آه از کنارش تیر می شویم. حاضر نیستیم که بخاطر مردم و خشکانیدن دریای خون، کنار هم بنشینیم، ولی حاضر هستیم که برای یک اختلاف کوچک، تا لحظه های نشستن در تابوت، علیه همدیگر بجنگیم.

روشنفکران به کتگوری های مختلفه تقسیم می گردند. عده ای در تلاشند تا به هر قیمتی به ارگ، ثروت و شهرت برسند، عده ای نیز بدون اشتیاق به پول و چوکی، در خط اعتراض قرار دارند ولی در کتله های کوچک و منفرد، آب در هاون میکوبند.

وضعیت از ما چی می طلبد؟

- 1) اشتراک مساعی برای کمک به امر نجات کشور از وضعیت بحرانی موجود
- 2) کار و تلاش مشترک برای دستیابی به صلح (عبور از صلح منفی یعنی ختم جنگ بسوی صلح مثبت حرکت متمدانه، سازنده، دموکراتیک، رو به ترقی و انکشاف)، بلند کردن فریاد صلح خواهانه اکثریت خاموش و میلیونی مردم که از پروسه صلح مثب و پیشرونده دور نگهداشته شده اند و تامین جایگاه شایسته شان در این پروسه
- 3) تلاش برای ایجاد و تقویت حاکمیت ملی و حاکمیت قانون است

برای دستیابی به این مأمول، در درون کشور مواد و مصالح فراوانی وجود دارد. دانشمندان و پژوهشگران، روشنفکران، شخصیت های مستقل ملی، تحصیل یافتگان، نهاد های اجتماعی و مدنی، سازمان های سالم سیاسی، هزاران و میلیون ها انسان دردمند و معترض وجود دارد که نه به صلح غیر عادلانه و فاجعه آفرین و نه به صلح نیابتی در غیاب مردم ودولت، تن می دهند.

در بیرون از کشور شرایط، مناسبات و وضعیت جدید بین المللی بوجود آمده است. ما شاهد تغییرات کیفی در استراتیژی ها و اتخاذ سیاستهای جدید جیوپولیتیکی قدرتهای منطقوی و جهانی و بخصوص اعلان تغییرات کیفی جدید در استراتیژی و سیاست جیوپولیتیکی امریکا، همچنان فعال شدن اجلاس شانگهای در مساله افغانستان می باشیم که این فاکتور ها فضای کاملاً جدید و مساعدی را فراهم نموده است.

بیاپید تا بر تیغ فاجعه راه نرویم. بخاطر مردم در خون نشسته، بخاطر صلح، بخاطر زنان، جوانان و کودکان، بخاطر آزادی و عدالت اجتماعی، بخاطر حفظ افغانستان واحد، و ده ها اندیشه متری و سالم مشترک دیگر، همصدا، همگام و متحد شویم؛ اختلافات غیر عمده را چاق نسازیم.

وضع موجود، به یک جنبش کلان سیاسی و مدنی؛ فرا قومی، فرا سمتی، فرا زبانی و مهمتر از همه فرا سازمانی ضرورت دارد. اتحاد فرد فرد ما می تواند چنین جنبش بزرگ و سرتاسری را ایجاد نماید. نجات کشور مربوط به این فرد یا آن گروه نیست. معضلات افغانستان آنقدر سنگین است که برداشتن آن به زور جمعی و سرتاسری نیاز دارد. و اما؛ این زور وجود دارد اگر از قوه به فعل عبور داده شود.

برای برآورده شدن این امر و تامین تماس میان افراد و جریان های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار است بزودی کمیته های تماس و تفاهم و انسجام تشکیل گردیده و اقدامات بمنظور بحث روی مشترکات و آماده کردن نقشه راه و کارشیوه برای برگزاری یک نشست بزرگ رویدست گرفته خواهد شد. تمنا داریم تا ساختار های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای ثبت نام نماینده های شان در کمیته تفاهم با کمیته تدارک در تماس شوند.

هرگاه توانستیم چنین حرکتی را راه انداخته و آن حرکت را به یک جنبش واقعی برای صلح واقعی و آبرومند برای نجات کشور تبدیل کنیم؛ آنگاه امکان آن میسر میشود تا آن جنبش به یک جریان مستحکم، آگاه، دگرگون کننده و سعادت آفرین تبدیل گردد.

بیاپید صدای همدیگر را بشنویم و دستان همدیگر را بگیریم

آزاد و سر بلند باشید

